

نگاهی به زندگی پربار استاد دکتر حسین علی محفوظ

نوشته: عبدالحسین طالعی^۱

چکیده: این گفتار به زندگی‌نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محفوظ، استاد فقید عراقی (۱۴۳۰-۱۳۴۴ هجری قمری / ۲۰۰۹-۱۹۲۶ میلادی) می‌پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تأییفات و تلاش‌های علمی او، کوشش پی‌گیر او در احیای سنت حسنۀ روایت حدیث، فهرستی از مشایخ روایتی او، در این گفتار آمده و در پایان، منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد فقید سید جلال الدین محدث ارمومی آمده است.

کلیدواژه: محفوظ، حسین علی / دانشگاه بغداد / اجازه روایت حدیث / محدث ارمومی، سید جلال الدین / تاریخ عراق، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری.

عن ابی جعفر علی^۲: عالم ينتفع بعلمه افضل من سبعين الف عابد.^۳

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۲. کافی، کتاب فضل العلم، باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء، حدیث ۸.

سرکشید از خاک، آن دانا که داشت
در جهانِ فضل و بر ملک معانی سروری
پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه معنی‌شناسان قبله دانشوری^۱
۲۳ محرم سال ۱۴۳۰ شاهد ضایعه فقدان یکی از دانشمندان کم‌نظر بود که
بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلّم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و
نگارش گذرانده بود.

استاد دکتر حسین علی محفوظ، پژوهشگر میدان دانش‌های مختلف، که شهرها
و دیارها را در پیِ جهاد علمی خود زیر پا نهاده و در هر جای، آثار و برکات
حضورش نمایان بود.

فصلنامهٔ سفینه افتخار یافت که در سالهای اخیر عمر آن محقق فقید، به فیض
همکاری علمی معظم له نائل گردد. و این، از زمانی بود که جناب ایشان، با قبول
عضویت در هیئت تحریریه سفینه بر ما منت نهادند. و از آن پس، - به فراخور توان
جسمی و با ملاحظهٔ کهولت و آثار آن - گاه طرح کلی شماره‌های فصلنامه و گاه
جزئیات برخی از مقالات را، چه حضوراً و چه از طریق تلفن، به محضر ایشان
بازمی‌گفتیم و از نظرات بی‌بدیل آن پیر دیر علم و دین بهره می‌گرفتیم.

اکنون پیکری که سال‌ها با آسایش بیگانه بوده و جز خدمت به علوم اهل
بیت علی‌آل‌الله کاری نمی‌شناخت، در جوار موالی خود، امام کاظم و امام جواد علی‌آل‌الله
خشش آسوده و آرام گرفته است. خدایش بیامرزاد و در فردوس بربین جای دهد!
برای آشنازی بیشتر با این علامهٔ فقید - که برای دانشوران ایرانی کمتر شناخته
شده - وظیفهٔ خود دیدیم که خلاصه‌ای از زندگی نامه علمی پربرگ و بارِ معظم له را
در اینجا بیاوریم.

خاندان

آل محفوظ، خاندان علمی است، بس کهن و ریشه دار از شهر فرهنگ خیز «حله»

۱. بخشی از قصيدة استاد بدیع الزمان فروزانفر در رثای میرزا محمدخان قزوینی.

که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امت اسلام شناسانده است.

شیخ شمس الدین محفوظ ابن وشاح بن محمد اسدی حلّی، جدّ اعلای این خاندان - در قرن هفتم - یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که در روز عاشورا، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدس ابی عبدالله علیہ السلام، جناب حبیب بن مظاہر اسدی، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.

آل محفوظ، از سوی دیگر، بنی عمّ «آل مطهر» به شمار می آیند، که علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین، از این خاندان هستند.

صاحب کتاب «غیر الدلائل» - که در شرح قصاید علویه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته - در آغاز کتاب خود تصريح می کند که این قصاید را در سال ٦٨٠ نزد استادش شیخ شمس الدین ابو محمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حلّه خوانده، واستاد، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.

شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره، شیخ حر عاملی در امل الامل، شیخ محمد سماوی در کتاب الطیعه و علامه امینی در الغدیر، مراتب علمی او را ستوده اند. و بزرگانی مانند ابن داود حلّی در رثای او اشعاری سروده اند.

فرزندش تاج الدین ابو علی محمد بن محفوظ نیز از بزرگان علمو ادب بود. شیخ حر عاملی در امل الامل، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفوی الدین حلّی در دیوان خود، اورا ستوده اند. و قصيدة صفوی الدین حلّی در مدح و رثای او قصائدی سروده است. وی در سال ٦٨٥ جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاة حلّه شد.

شیخ حسین محفوظ، از تبار او بود که در سال ١١٧١ در هرمل (لبنان) زاده شد و در سال ١١٨٢ به عراق آمد و در کاظمیه سکنی گزید. او نزد سید عبدالله بشر،



مراتب علمی را پیموده و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

سید حسن صدر در تکمله امل الامل، با اشاره به زهد عملی و تلاش علمی وی، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می‌برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمانو ابوذر روزگار خود» می‌خواند.

بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده‌اند که مبالغی بیان نامهای آنها، خود رساله‌ای مفصل می‌طلبید که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی‌گنجد. علاوه بر عراق، در جای جای لبنان و سوریه نیز، بزرگانی از این خاندان می‌توان یافت. از جمله نسب پطرس بستانی (متوفی ۱۸۸۳ میلادی)، سلیمان بستانی (م ۱۹۲۵)، و دیع بستانی (م ۱۹۵۴)، و فؤاد افرام بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می‌رسد.

نسب

حسین بن الشیخ علی (م ۱۳۵۵ ق) ابن الشیخ محمد الجواد (۱۳۵۸ ق) ابن الشیخ موسی (۱۳۲۰ ق) ابن الشیخ حسین (۱۲۶۲ ق) ابن الشیخ علی (۱۲۲۲ ق) ابن الشیخ محمد ابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ، در روز دوشنبه ۲۰ شوال ۱۳۴۴ قمری (۳ دسامبر ۱۹۲۶) در کاظمیه، محله الشیوخ، شارع قریش، در خانه قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه (م ۱۴۱۰ ق) دخت سید هاشم صائغ (م ۱۳۷۴ ق)، از دودمان جانب زیدبن علی بن الحسین علیهم السلام بودند که ابن حزم اندلسی در کتاب «جمهرة انساب العرب»، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت. در سال ۱۹۴۸ از

دارالمعلمین العالية در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در ۱۹۵۵، در رشته ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکترا گرفت. در سال ۱۹۵۰ به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۹۵۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبی و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان، در سال ۱۹۵۲ به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ، در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمومیش استاد محمد محفوظ درآمد. از عمومی دانشمند و مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برداشت. علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی، دروس حوزه علمی رانزد علمای روزگار خود فراگرفت. در کنار آن، دروسی همچون علم انساب، نجوم، ریاضیات، طب قدیم، منطق و فلسفه رانیز آموخت. در طول سالهای تهران، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پورداور، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پروفسور کنواراجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاه بسیار مأнос بود. دکتر محفوظ می‌گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران، مرحوم شیخ آقابرگ تهرانی - که در سال ۱۳۶۷ قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود - طی نامه‌ای مرا به دکتر مشکاه معرفی کرد. و دکتر مشکاه، پس از آن، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی‌داشت. دکتر محفوظ، با وجود تبحر در علوم مختلف - که بیش از ۱۵۰۰ اثر در موضوعات گوناگون نگاشت - خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت» می‌دانست.

سرودن شعر را از ۱۳ سالگی شروع کرد، در سال ۱۹۳۹ که چند بیت در وصف بهار سرود، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.

دکتر محفوظ سه سال (۱۹۶۳-۱۹۶۱) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه

لينيگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه، بر کرسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال ۱۹۶۹ بخش پژوهش‌های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال ۱۹۷۳ در سمت ریاست آن باقی بود.

از سال ۱۹۷۵ به بعد، درباره نسخه‌های خطی پژوهش‌های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون: مصطلحات المخطوطات، مصطلحات المكتبة العربية، مصطلحات المخطوطات، مصطلحات المكتبة العربية، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم والنقوش والتزویق، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه‌های مختلف در عراق، ایران، آذربایجان و روسیه در این زمینه، بر جای نهاد.

از سال ۱۹۷۸ به بعد، چندین اثر ماندگار در علم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود، مانند: دائرة الاهلة (۱۹۷۸)، دائرة التقويم (۱۹۷۹)، تقویم القرن الخامس عشر الهجری (۱۹۷۹)، جدول الأدوار والكبايس ستة آلاف سنة الهجرية (۱۹۷۹)، اوائل الشهور الالثني عشر في القرن الخامس عشر (۱۹۸۱).

به آمار در پژوهش‌های خود بسیار بها می‌داد. به عنوان نمونه، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر، به این نتایج دست یافت:

زبان اردو	۴۱/۹۵٪	زبان تاجیکی	۴۶/۳۹٪	زبان ترکی	۴۹/۷۰٪	زبان فارسی	۶۰/۶۷٪
-----------	--------	-------------	--------	-----------	--------	------------	--------

نیز: از یک پژوهش در آثار ۱۳۴۰ شاعر و ۱۶۰ نویسنده شرقی (غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان، ۵۲٪ در شعر و ۷۰٪ در نثر بکار رفته است.

دکتر محفوظ در نوشتمن فرهنگ‌های تخصصی ید طولایی داشت، از جمله: معجم الآلات والأدوات، معجم العلامات والرموز، معجم الأضداد، معجم الالوان،

مصطلحات النقود، معجم الصناع و البائعين و المحترفين، معجم الموسيقى العربية.
به تاريخ شهرهای اسلامی اهتمامی تمام داشت، به ویژه تاریخ عتبات عالیات،

که تحقیقات او دراین زمینه، در دوره «مرسوعة العتبات المقدسة» انتشار یافت.

در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب، بسیار می‌کوشید،
مانند: هزاره کندی فیلسوف، هزاره سید رضی، هزاره شیخ صدق، هزاره
صاحب بن عباد، هزاره شیخ مفید، بزرگداشت صفوی الدین ارمومی و ابن رحمة
حویزی و ابن سینا و فارابی و فضولی بغدادی و...
در طول این سالها، استدراک بر کتابشناسی‌هایی مانند کشف الظنون و معجم
المطبوعات نوشت.

عضویت در فرهنگستان زبان ایران (۱۹۵۲)، جمعیت سلطنتی آسیایی لندن
(۱۹۵۴)، مجمع اللغة العربية قاهرة (۱۹۵۶)، مجمع علمی علیگرہ هند (۱۹۷۶)،
مجمع علمی عربی دمشق (۱۹۹۳) و مجامع دیگر، در کارنامه اوست.

و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از
یاران همراه، به تصحیح و تحقیق کتاب پر ارج «تکملة امل الامل» نوشتۀ علامه
محقق سید حسن صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در
لبنان منتشر کرد.

نگاه تقریبی او- در عین تصلب به مبانی شیعی- بسیار دیدنی بود. استاد براسس
آماری که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها $\frac{8}{3}$ %
در صد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط
۵۶٪ از آن، حکم مختص شیعه امامیه است. (متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به
نگارنده این سطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره ۱۵، ص ۱۸۲-
۱۸۸ به چاپ رسید).

در تصلب او به مبانی شیعه و بزرگان آن، کافی است به یک نکته اشاره شود.



یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ، رساله‌ای درباره ثقة‌الاسلام کلینی و کتاب شریف کافی است که در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته‌اند و در مقدمه کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی‌اکبر غفاری) آمده است.

استاد علی‌اکبر غفاری درباره این رساله می‌نویسد: «هی معربة عن مكانة الاستاذ في الثقافة الاسلامية و شموخه في الادب و تضلعه و براعته في الدرایة و الحديث، فزيّنا الكتاب بهمقالة تقديرًا لسعيه و إكبارًا لمقامه».

و آیت‌الله سید محمد رضا حسینی جلالی درباره آن می‌نویسد: «از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب کافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد».

این رساله به زبان انگلیسی ترجمه شده و در ابتدای نخستین مجلد ترجمۀ انگلیسی اصول کافی (ترجمۀ آیت‌الله شیخ محمد رضا جعفری نجفی تحت عنوان "Al-Kulayni and Al-Kafi" درج شده است.

(چاپ تهران: سازمان جهانی خدمات اسلامی WoFis، ج ۱، ص ۲۷ تا ۴۶)
ایشان به نگارنده سطور می‌فرمود: «وصیت کرده‌ام نوشه‌هایی را که در مورد ثقة‌الاسلام کلینی نوشته‌ام، همراه با من دفن شود، باشد تا از شفاعت آن برگوار در روز قیامت بهره‌مند شوم».

روایت حدیث

از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ، تداوم راه استادش شیخ آقابزرگ تهرانی در برپایی رایت اجازه حدیث است. وی، از زمانی که نخستین اجازه روایی خود را در سن بیست سالگی، از شیخ آقابزرگ گرفت، تا آخر عمر پریار خود، نزدیک به صد اجازه روایتی، از محدثان شیعه امامی، زیدی، اسماعیلی، حنفی، حنبلی، مالکی، شافعی در زمینه‌های حدیث، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه، خط، استخاره، علوم غریبیه گرفت. و خود به صدها تن اجازه روایتی داد.

این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله: نجف، کاظمین، سامرا، صور (لبنان)، طنجه، فاس (مغرب)، تهران، قم، زنجان، بغداد، دمشق، اصفهان، سمنان، سبزوار، پطربورگ، مدینه، بعلبک، بصره، موصل، علیگر، إربيل (عراق)، لندن، صنعاء (یمن)، تلمسان (الجزایر)، بعقوبة (عراق)، هرمل (لبنان).

دکتر محفوظ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشتۀ‌های کتبی، همواره تواضع خود را نسبت به علماء و مراجع تقلید شیعه نشان می‌داد و استجazole آنها از خود را، نشانه تواضع آنها می‌دانست. از جمله در جایی می‌نویسد: «مرجع اکبر اقدم سید ابوالقاسم خوبی (قدس الله سره) از من خواست که به او اجازه روایت دهم، در زمانی که به زیارت شرّف شدم، در حالی که من سی سال داشتم و او پیر مردی سالخورده بود. این نهایة تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که در علوم حدیث، «رواية الأکابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».

دکتر محفوظ در ارجوزه‌ای کوتاه، از همین مجلس چنین یاد می‌کند:

قال: «أجزني أنت» ينهل سنا
مشعشعا، لمّا استجزته أنا
قال: أجزني، فسكت أدباً
و هيبة و خجلًا و رهباً
أكاد من فرط الحيا أذوب
و القلب قد قطعه الوجيب
و كلّ و بل لا يجارى طلّه
و مالمثلى أن يجيز مثله
لكنه تواضع الكبار
إذا حنوا فضلاً على الصغار
و هو تواضع الأعز الأجلل
ما يخفض الجناح إلا أمثل
و اتها رواية الأکابر
إذا روى الشيخ عن الأصاغر
و ذاك حقاً شرف عظيم
أرفع لا تناه النجوم
قد خصني بلطفه إحساناً

در اینجا نام جمعی از مشایخ روایتی او - در رتبه‌های مختلف: اکابر، اصاغر، اقران - به ترتیب سال، از ۱۳۶۴ تا ۱۴۲۲ قمری یاد می‌شود. درباره برخی از این



اجازات و اهمیت آنها، سخن فراوان می‌توان گفت که مجال آن در این اجمال نیست.

تاریخ	مکان	مجیز	توضیح
۱۸ شوال ۱۳۶۴	کاظمین	شیخ آقابزرگ تهرانی [۱]	اجازه دیگر: ربيع الاول ۱۳۶۷
۲۰ ربیع الاول ۱۳۶۶	سامرا	شیخ محمدبن رجبعلی تهرانی	
۲۷ شوال ۱۳۶۶	کاظمین	سید صادق موسوی هندی	
۴ ذی القعده ۱۳۶۶	نجف	شیخ عبدالحسین امینی	
۶ جمادی الثانی ۱۳۶۷	کاظمین	شیخ عبدالرزاق عاملی	
۱۲ رمضان ۱۳۶۷	کاظمین	شیخ راضی آل یاسین	
۲ شوال ۱۳۶۷	نجف	شیخ محمد سماوی	
۸ جمادی الاول ۱۳۶۷	کاظمین	شیخ جعفر نقی	
۱۳۶۷	صور	سید عبدالحسین شرف الدین	
۲۵ ربیع الثانی ۱۳۶۹	طنجه	حافظ ابوالفیض احمدبن محمدبن صدیق غماری مغربی [۲]	
۱۳۶۹	فاس	محمد عبدالحق حسن ادریسی کتابی	
شوال ۱۳۶۹	نجف	شیخ محمد علی اردوبادی	
۲۱ ربیع الثانی ۱۳۷۰	تهران	شیخ محمد علی مدرس خیابانی تبریزی	
شعبان ۱۳۷۰	قم	سید صدرالدین صدر	
۲۵ شعبان ۱۳۷۰	قم	سید شهاب الدین مرعشی نجفی	
۲۶ شعبان ۱۳۷۰	قم	سید محمد حجت کوه کمری	
آخر ذی الحجه ۱۳۷۰	زنجان	میرزا فضل الله زنجانی	
۱۹ جمادی الاول ۱۳۷۰	بغداد	سید تقی الدین هلالی مغربی [۳]	

توضیح	محیز	مکان	تاریخ
	جلال الدین همانی اصفهانی سید محسن امین عاملی [٤]	تهران	٢٦ جمادی الاول ١٣٧٠
	سید محمد بهبهانی شیخ محمد باقر الفت علویه اصفهانی (بانو امین)	دمشق تهران اصفهان	١٣٧١ ٢٦ جمادی الثاني ١٣٧١ ١٣٧٢ ربج
	میرزا حسن چهار سوقی سید عبدالله حسینی ثقة الاسلام سید عبدالحجۃ بلاغی (نعمت اللهی)	اصفهان	١٣٧٢ ربج ١٣٧٤ شوال ١٣٧٤ ربیع الثاني ١٣٧٤ ربیع الثاني
	شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی شیخ محمد صالح حائری مازندرانی سید عبدالله برهان سبزواری	اصفهان سمنان سبزوار	١٣٧٥ ربیع الثاني ١٣٧٥ ربیع الاول ١٣٧٥ ربیع الثاني ١٣٧٥
	ابوالفضل عبدالله محمد صدیقی [٥]	-	١٣٧٥
	سید جمال الدین گلپایگانی حاج محمد ناصر محمد کبو [٦]	تهران بغداد	١٣٧٦ شوال ١٣٨٢ ربج ١٣٨٢ ربج
	شیخ محمد فاضل بن عاشور تونسی [٧]	بغداد	١٣٨٢ ربج ١٣٨٣ ذی القعده
	عبدالباری او فاوی [٨]	لینیگراد	١٣٨٣ آخر محرم
	شیخ عبد السلام بن عبد القادر قریشی مغربی [٩]	مدینه	١٣٨٣ ذی القعده
	شیخ محمد ابراهیم بن سعد الله فضلی ختنی	مدینه	١٣٨٣ ذی القعده
	شیخ محمد بدر عالم هندی مدنی شیخ عبدالغفور بن شاه سید حنفی نقشبندی مدنی	مدینه	٢ ذی الحجه ١٣٨٣ ذی الحجه ١٣٨٣ ذی الحجه
	شیخ سید قاسم اندجانی فرغانی مدنی سید محمد مهدی خوانساری کاظمی	مدینه کاظمین	١٣٨٣ ذی الحجه ١٣٨٤ ربیع الاول
	شیخ حبیب مهاجر عاملی	بعلبک	١٣٨٤ ربیع الثاني

توضیح	محیز	مکان	تاریخ
[10]	سید محمد صادق بحرالعلوم سید هادی حسینی تبریزی ملا عبدالکریم مدرس مریوانی بیاری	نجف کاظمین بغداد	۱۳۸۴ ذی القعده ۲۴ ۱۳۸۷ ۶ صفر ۹ ۱۳۸۷ ۱۲ رمضان ۱۲
[11]	شیخ حسین قدیحی قطیفی بحرانی	نجف	۱۳۸۷
[12]	میرزا عباس اخباری	بصره	۱۳۸۸ ۱۴ صفر
[13]	میرزا نجم الدین شریف عسکری	کاظمین	۱۳۸۸ ربيع الاول
[14]	شیخ محمد رضا طبسی	نجف	۱۳۸۸ جمادی الثاني ۱۹
[15]	میرزا حسن موسوی بجنوردی	نجف	۱۳۸۸ ذی الحجه ۱۹
[16]	سید علی نقی نقی لکھنؤی	علیگرہ (ہند)	۱۳۸۹ ۲۰ صفر
[17]	سید محمد علی اعرجی	کاظمین	۱۳۸۹ ۱۲ جمادی الثاني
[18]	قاضی شیخ محمد رشداد مفتی	اربیل	۱۳۸۹ جمادی الثاني ۱۳۸۹
[19]	سید عباس بشر	بصره	۱۳۸۹ ۲۲ ربیع
[20]	شیخ مصطفی نقشبندی غیاثی	اربیل	۱۳۸۹ ربیع
[21]	سید محمد حسین حسینی جلالی	نجف	۱۳۸۹ شوال
[22]	شیخ علاء الدین سجادی	بغداد	۱۳۹۰ ۲۸ ربیع الاول
[23]	شیخ محمد علی مدرس افغانی	بغداد	۱۳۹۰ ۷ ربیع الثاني
[24]	شیخ احمد فهمی مصری	بغداد	۱۳۹۰ ۱ ربیع الثاني
[25]	سید احمد مستنبط	نجف	۱۳۹۰ ذی الحجه
[26]	شیخ فرج عمران قطیفی	نجف	۱۳۹۱ ۱۶ جمادی الاولی
[27]	شیخ محمد علی بن الیاس موصلی حنفی	موصل	۱۳۹۱ ۱۶ جمادی الاولی
[28]	سید محمد مشکاة	لندن	۱۳۹۳ ۲۷ محرم
[29]	شیخ محمد بهجت بیطار دمشقی	دمشق	۱۳۹۳ ۶ ربیع
[30]	شیخ محمد بن علی اکوع یمانی	بغداد	۱۳۹۵ ۲۶ شوال

١٦٣

بادنامه

توضیح	مُجیز	مکان	تاریخ
	شیخ عبدالمجید بن اسماعیل خطیب [١٨]	موصل	١٣٩٧
	قاضی محمد بن اسماعیل عمرانی یمانی	صنعاء	١٣٩٨
	ابوالحسن علی ندوی	تلمسان	١٤٠٢
	شیخ حمدی بن عبدالمجید سلفی کردی	بغداد	٢ ربیع ١٤٠٤
	شیخ محمد شاذلی تونسی	بغداد	١٤٠٤
	شیخ شمس الدین واعظ کاظمی	نجف	٢٢ ربیع الاول ١٤٠٩
	سید علی الاعلی سبزواری	نجف	١٤٠٩
	سید عبدالکریم آل سید علی خان مدنی	بعقوبة	٢٩ جمادی الاولی ١٤١١
	شیخ عیسی بن عبدالحمید خاقانی	کاظمین	٥ جمادی الاولی ١٤١٣
	سید محمد جزائری موسوی	تهران	١٤١٣
	سید علی حسینی سیستانی	نجف	٦ محرم ١٤١٤
	شیخ محمد امین زین الدین	نجف	١٤١٤
	شیخ علی غروی	نجف	٧ ربیع الاول ١٤١٥
	سید محمد موسوی کلانتر	نجف	٢٧ جمادی الآخرة ١٤١٥
	سید محمد سعید طباطبایی حکیم	نجف	١٢ ربیع ١٤١٥
	شیخ ملا عباس شامی	کاظمین	١١ شعبان ١٤١٥
	سید محمد علی حمامی نجفی [١٩]	نجف	١٤١٨ ذی القعده
	شیخ موسی شراره [٢٠]	هرمل (لبنان)	١٤١٧ ذی الحجه
	سید حسین بحرالعلوم	نجف	١ ربیع ١٤١٨
	سید علاء الدین موسوی غرفی	نجف	٥ رمضان ١٤٢١
	شیخ اسحاق فیاض	نجف	١٢ رمضان ١٤٢١
	سید علی بهشتی	نجف	١٤٢٢ شوال
	شیخ بشیر نجفی	نجف	١٤٢٢ شوال

توضیحات کلی جدول

الف) مواردی که با علامت ستاره مشخص شده، اجازه مدبجه است، یعنی در یک مجلس همزمان، مجیز به مجاز اجازه می‌دهد و از او اجازه می‌گیرد.
 ب) از یاد کرد القاب تجلیل و تکریم در مورد این بزرگان صرفنظر شد.
 ج) دکتر محفوظ به کار اجازه گرفتن و اجازه دادن تا آخر عمر خود اشتغال داشت. لذا تکمیل این جدول، ضرورت دارد.

توضیحات جزئی جدول:

- ۱- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ربیع الاول ۱۳۶۷ در شهر نجف بود.
- ۲- از بزرگان اهل تسنن در منطقه مغرب
- ۳- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ۱۵ ماه رمضان ۱۳۷۰
- ۴- این اجازه را مرحوم امین عاملی در اوایل عمر خود در بیمارستان نوشت.
- ۵- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ۱۳۷۸. وی از بزرگان شافعیه زمان خود بود.
- ۶- وی از عالمان نیجریه افریقا بود و این اجازه در مدرسه مستنصریه بغداد صادر شد.
- ۷- وی قاضی القضاط تونس بود.
- ۸- امام جمعه سن پترزبورگ
- ۹- صاحب کتاب «دلیل مؤرخ المغرب»، که در کتابخانه شیخ الاسلام احمد عارف حکمت، این اجازه را نوشت.
- ۱۰- این اجازه را در حجرة خود در حرم قادریه نوشت.
- ۱۱- این اجازه، شفاهًا و به واسطه شیخ آقا بزرگ تهرانی از او اخذ شد.
- ۱۲- وی رئیس اخباریون در بصره بود.
- ۱۳- وی، خطیب حرم یونس نبی ﷺ در موصل، و شیخ القراء در آن دیار بود و سه بار اجازه روایتی داد: ۱۴ و ۲۲ و ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۸۸.

مشغول است.

۱۴- وی قاضی اربیل (عراق) بود.

۱۵- وی اکنون در شیکاکو(امریکا) اقامت دارد و به ترویج تشیع در آن دیار



۱۶- وی استاد دانشکده شریعت و قانون در دانشگاه الازهر بود.

۱۷- وی قبل از سال ۱۳۷۰ قمری در تهران به دکتر محفوظ شفاهی اجازه روایتی داده بود.

۱۸- ملقب به سراج القراء ، خطیب مسجد شیعث نبی ﷺ در موصل .

۱۹- از مراجع تقلید، که اجازه شفاهی را در ۲۷ ماه رمضان ۱۴۱۷ در کاظمین داده بود.

۲۰- مفتی هرمل .

سخن پایانی

بی تردید، عمری چنین پرپار، با خوان علمی که چنین گستردہ بود - در تمام زمینه ها و در تمام شهرهایی که سفر کرده بود - به گفتارهایی دیگر نیاز دارد. صدها شاگرد دستپرورده ایشان، سخن ها برای گفتن دارند، که باید در تاریخ ثبت شود. آنچه در این مقاله مختصر نوشته آمد، مبتنی بر چند نوشتار است که در کمال استعجال در روز ۶ بهمن ۱۳۸۷ بر اساس منابع زیر تدوین شد:

۱- تاریخ آل محفوظ فی العراق و لبنان.

۲- جنی الجنین (فهرستی از اجازات)

۳- زندگینامه خودنوشت استاد

۴- اجازة القرائة و روایة القراءات

۵- الوفاق بین المذاهب الاسلامية

این پنج اثر، همه از تأییفات مرحوم استاد دکتر حسین علی محفوظ است که نسخه ای از آنها را در آبان ۱۳۸۶ شمسی در قم به نگارنده این سطور مرحومت

فرمودند.

۶-مقاله «جوانب منسية فى دراسة السنة النبوية» اثر استاد فقید (رسالة التقرير، ش ۶۰، ص ۱۸۱-۱۹۸) که در پایان آن ۵۰ پیشنهاد برای ادامه پژوهش های علمی در زمینه علم الحديث آورده اند. (گزارشی از آن پیشنهادها در شماره ۱۹ سفینه نقل شد).

۷-فهرست بعض اعمال الاستاذ الدكتور حسين على محفوظ(المنشوره)، ۱۹۴۱-۲۰۰۲، بااهتمام كلية اللغات، جامعه بغداد.

این فهرست، عنوانین بخشی از مقالات و نوشههای استاد را به ترتیب تاریخ نگارش یا انتشار دربر می گیرد.

۸-از من ایشان را هزاران یاد باد. (گفتگوی امیر حسين شرافت با دکتر محفوظ، روزنامه اطلاعات ۵ بهمن ۱۳۸۷، ص ۶).

۹-مجله الكوثر، چاپ قم، شماره ۲۳، رجب ۱۴۲۶، ویژه‌نامه دکتر محفوظ. (شامل ۱۰ گفتار منظوم و منتشر از استاد فقید)

۱۰-دکتر حسين على محفوظ اندیشمندی فرزانه نوشهه موسي دانش - مجله مشکوة، چاپ مشهد، ش ۸۶، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۲۰-۱۲۶.

۱۱-الدكتور حسين على محفوظ و نظرية التقرير بين المذاهب الاسلامية - نوشته دکتر جودت قزوینی - انتشارات the open school، شیکاگو.

۱۲-گفتار آیت الله سید محمد رضا جلالی در مورد استاد دکتر محفوظ (منتشر نشده).

۱۳-چندین جلسه تشریف حضوری نگارنده این سطور به حضور آن فقید.

پیوست

به پیوست این گفتار، دو نمونه از دستخطهای استاد فقید می آید:

سنداول-نامه‌ای است که ایشان در سال ۱۹۷۴ از لندن برای محقق فقید استاد

سید جلال الدین محدث ارمومی فرستاده است. البته این ارسال به واسطه استاد فقید مرحوم علی اکبر غفاری بوده، چنانکه ظهر پاکت به نشانی مکتبة الصدق در آن زمان است. این نامه به لطف خلف الصدق استاد محدث ارمومی، جناب میرهاشم

محدث در اختیار این بنده قرار گرفته، که از این لطف تشکر می‌کنم.

سند دوم - متنی کوتاه که دکتر محفوظ سال گذشته (۱۳۸۶ شمسی) در سفر قم، در مورد مرحوم محدث ارمومی نوشتند. و ترجمه آن رادر مجلس بزرگداشت استاد محدث ارمومی در کتابخانه مجلس خواندم.
این دو سند برای نخستین بار منتشر می‌شود.



دستخط آقای محفوظ ۱



سال ششم / شماره ۲ / زمستان ۱۳۹۲ / فیض

دستخط آقای محفوظ ۲



دستخط آقای محفوظ ۳

۱۹۰

سال ششم / شماره ۲ / زمستان ۱۳۸۱ **فیض**